

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنندج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

* صباح الدین مفاخری

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رابطه بین کیفیت کالبدی و اجتماعی محله‌ها با پیوندهای محله‌ای شهروندان سنندجی می‌پردازد. بدین‌منظور، ابتدا ابعاد فضاهای شهری مشخص شدن؛ سپس با تعریف پیوندهای همسایگی، رابطه بین فضاهای شهری و پیوندهای محله‌ای تحت مطالعه قرار گرفت که مشخص گردید آنچه در طراحی کالبدی و جانمایی واحدهای همسایگی دخیل است، اهداف اجتماعی‌ای چون تعامل همسایه‌ها، ایجاد حس جمعی، هویت همسایگی و تعادل اجتماعی می‌باشد. در یک تقسیم‌بندی براساس تشابه افراد مبتنی بر یک یا چند معیار می‌توان شهر را به محله‌هایی تقسیم نمود و یک محدوده مشخص برای هریک از محله‌ها در نظر گرفت و برای ساکنان هر محله هویتی تعریف کرد بر این اساس داده‌های این مقاله توسط پرسشنامه، از ۳۶۰ پاسخگو ساکن شش محله شهر سنندج، در قالب سه خوشنمحله گردآوری شده و برای تحلیل داده‌ها، از ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین ابعاد کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری با پیوندهای محله‌ای شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؛ دلالتها کاربردی این تحقیق توجه بیشتر مدیران شهری و انتظامی به سازمان‌یافتگی کالبدی و اجتماعی در محله است. بازسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده، نماهای ساختمان و عابر عمومی؛ تقویت خدمات عمومی و بهبود فضاهای سبز، نشیمن‌گاه‌ها و احداث مراکز تفریحی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت پیوندهای محله‌ای داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: پیوندهای محله‌ای، بافت محله، احساس امنیت، مسائل اجتماعی.

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی * mafakheri.sb@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۵

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۴۵-۱۶۲

مقدمه

فضای کالبدی محله، تأثیر مهمی در زندگی مردم و نیز در مواجه آنها با روابط و فرایندهای اجتماعی دارد (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۱). شاخص‌ترین ایده واحد همسایگی کلرینس پری^۱ بود که در ایالات متحده در طول دهه ۱۹۲۰ ایجاد شد. آنچه در طراحی کالبدی و جانمایی واحدهای همسایگی دخیل بود، اهداف اجتماعی‌ای چون تعامل همسایه، ایجاد حس جمعی، هویت همسایگی و تعادل اجتماعی بود (کارمونا، ۲۰۰۳: ۱۱۴). در یک تقسیم‌بندی براساس تشابه افراد مبتنی بر یک یا چند معیار، می‌توان شهر را به محله‌هایی تقسیم کرد و یک محدوده مشخص برای هریک از محله‌ها در نظر گرفت و برای ساکنان هر محله هویتی تعریف کرد. در شکل‌گیری این فرآیند سه عنصر اصلی متن، محتوا و احساس تعلق و دلبستگی نقش دارند. زمانی که از هویت شهری صحبت می‌شود، هر یک از عناصر شهری و کلیت شهر واحد معنای خاصی می‌شود. معانی نیز احساس و هیجان‌های انسان را تحریک می‌کنند؛ از این‌رو، ممکن است در انسان احساس رضایتمندی یا نارضایتی حاصل شود. رضایتمندی موجب دلبستگی و وابستگی انسان به محیط می‌شود. بنابراین، تعلق خاطر در ساکنان را تقویت می‌کند (غраб، ۱۳۸۴).

بررسی روند تاریخی توسعه کالبدی و فضایی شهر سنتدج حاکی از آن است که همواره کمریندی دور شهر در حال رشد است که این روند رشد از دهه هشتاد به بعد سرعت زیادی داشته است (فرهودی و محمدی، ۱۳۸۴). جمعیت شهر سنتدج، طی ۳۵ سال از ۹۶ هزارنفر در سال ۱۳۵۵ به ۳۷۴ هزارنفر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (سالنامه آماری استان کردستان، ۱۳۹۰). پیامدهای این رشد جمعیتی، هم به لحاظ کالبدی و هم به لحاظ اجتماعی، قابل مطالعه است. به لحاظ کیفیت و مطلوب‌بودن محله‌های شهر سنتدج در یک طیف-در راستای شمال جنوب یا بالا و پایین- تفکیک‌پذیر است. مشاهدات میدانی محقق نشان می‌دهد که فرایند نوسازی در قسمت مرکزی که بافت تاریخی دارد، صورت نمی‌گیرد و درواقع ساکنان این محله‌ها گاه به مناطق برخوردار شهری یا کلاً به خارج از شهر سنتدج مهاجرت کرده‌اند. در قسمت‌های جدید و نوساز نیز دو خوشة قابل مشاهده است: مناطقی که به‌شكل هدفمند، با برنامه‌ریزی و مدیریت شهری همراه با انتقال و احداث مراکز آموزشی، رفاهی، فرهنگی، تفریحی و زیرساخت‌های مناسب دیگر از جمله خیابان‌ها و کوچه و معابر مناسب، در بخشی از حاشیه‌های بافت مرکزی شهر در حال رشد و توسعه هستند و مناطقی که در جریان مهاجرت‌های گسترش‌ده روزتاییان به روستاهای اطراف شهر، به رشد و گسترش فیزیکی این روستاهای حاشیه‌ای شهر منجر شده‌اند (فرهودی و محمدی، ۱۳۸۴). درمجموع، رشد و گسترش بدون برنامه این مناطق حاشیه‌ای و بی‌توجهی به مناطق بافت مرکزی علاوه‌بر مسئله

^۱ Clarence Perry

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنتدج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

ترافیک شهری، باعث شده که اکثر معابر شهر برای پیاده‌روی و تردد مناسب نباشد. از سوی دیگر، توزیع امکانات و خدمات شهری به‌شکلی مطلوب صورت نگرفته و درمجموع فضای اکثر معابر شهر سنتدج یکپارچه نیست و تنوع بسیار و نامناسب‌بودن فضا، خوانایی محیطی را کاهش داده است. با توجه به گسترش بدون طرح و برنامه محله‌های شهری، تفاوت کیفیت و قیمت زمین و مسکن در نقاط مختلف شهر، عدم تناسب در دسترسی به خدمات و امکانات شهری در زمان حال و مهاجرت و اسکان دسته‌جمعی خویشاوندی و قومی در گذشتگان نزدیک، به جدایی‌های اجتماعی و فضایی در شهر سنتدج انجامیده است. این موارد، از نامناسب‌بودن فضاهای کالبدی و اجتماعی در سطح شهر حاکی است؛ به‌طوری‌که این فضاهای در کنار یکدیگر تشکیل شبکه نداده‌اند و این موارد می‌توانند در محله‌های شهر سنتدج، پیوندهای همسایگی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که وضعیت فضاهای شهری در محله‌های سنتدج تا چه حدی با وضعیت پیوندهای محله‌ای رابطه دارد؟

پیشینه نظری

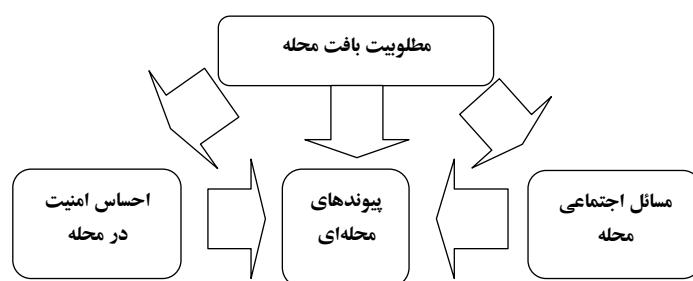
هویت شهر با مفهوم حس مکان رابطه تنگاتنگی دارد؛ به‌طوری‌که هردو را می‌توان یکی پنداشت. در این‌بین، حس مکان از سه وجه تشکیل شده است: وجه کالبدی که جنبه ساختاری فضا را مد نظر قرار می‌دهد؛ فعالیت که موضوع حضور انسان در فضا و عملکرد است؛ و درنهایت وجه معنایی که به احساسات ادراکی و ذهنیت فرد از فضا توجه دارد (غраб، ۱۳۸۴). اتزیونی^۲ موضوع سوق‌دادن محیط‌های کالبدی به سوی همسازشدن با اجتماع منسجم محلی را مطرح می‌کند. آنچه او می‌خواهد این است که مکان‌هایی که استفاده می‌کنیم از خانه‌هایمان گرفته تا کل شهر طوری طراحی شوند که پیوند محله‌گرایی را تقویت کنند. پیشنهاد او در مقیاس کوچک آن است که «فضای لازم برای گردهم‌آمدن مردم فراهم شود». بنابراین، فضای عمومی در سطح محله باید بتواند فرصت تعامل اجتماعی را فراهم و بدین ترتیب حس انسجام منسجم محلی را ایجاد کند. او معتقد است این را باید با مقیاس بزرگ‌تر تکمیل کرد، یعنی در جایی که ساخت‌وسازها طوری برنامه‌ریزی و طراحی شوند که ترکیب اجتماعی بتواند «اجتماع منسجم محلی» را پایدار سازد (مدنی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۶).

جين جاکوبز، روزنامه‌نگار و صاحب‌نظر بر جسته مسائل شهری، در کتاب مرگ و حیات شهرهای بزرگ امریکایی بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند. به باور او، آنچه از یک شهر بیشتر به ذهن می‌ماند فضاهای عمومی آن به‌ویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن است. جاکوبز اشاره می‌کند که افزایش نشست و برخاست و امنیت پیاده‌رو

² Etzioni, 1959

تأثیر وارونهای بر جدایی و تبعیض نژادی دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۵). جاکوبز به مدت بیش از چهل سال یکی از معروف‌ترین طراحان و برنامه‌ریزان شهری بوده است که کوشید تا ارزش‌های انسانی را با فناوری طراحی شهری پیوند دهد و با آثار خود چگونگی تفکر مردم را دربارب شهرها عوض کند. با توجه به عنوان کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکا، او ترجیح می‌داد که از استعارة زیست‌شناختی برای شهر استفاده کند؛ زیرا شهر را شبیه موجود زنده‌ای میدانست که متولد می‌شود، رشد می‌کند، به بلوغ می‌رسد، دچار رکود و انحطاط می‌شود و می‌تواند احیا هم بشود. از نظر او، عناصر اساسی شهر عبارت‌اند از: مردم، خیابان‌ها، پارک‌ها، محله‌ها، دولت و اقتصاد. این عناصر نمی‌توانند بدون یکدیگر زندگی کنند و مانند اندام‌های بدن انسانی هستند که با یکدیگر پیوند و رابطه نزدیکی دارند. همچنین این موضوع را که چرا برخی محله‌های مسکونی در شهر موفق و برخی ناموفق‌اند بررسی کرد و به این نتیجه رسید که عوامل فضایی و اقتصادی دو عامل موافقیت محله‌ها هستند (شارع‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱۶). به اعتقاد او، پارک‌ها بیشتر اوقات خطرناک‌اند و پیاده‌روهای شلوغ در محله امن‌ترین مکان برای بازی بچه‌های است. همچنین، پیاده‌روهای شهری می‌توانند بین افراد فضای اعتماد و صمیمیت به وجود آورند (فکوهی، ۸۳: ۲۱۸). جاکوبز این ایده را طرح کرد که چگونه می‌توان یک محله را به یک اجتماع تبدیل کرد. به نظر او، امنیت از طریق چشم‌های خیره بر خیابان پدید می‌آید؛ یعنی مراقبت مردم محله از اماکن عمومی خود؛ این چیزی است که معماری نو آن را از بین برده است. وقتی محله کوچک و شلوغ باشد و از خیابان‌های آن استفاده‌های چندمنظوره شود، ساکنان محله در مقابل هم احساس تعلق و انسجام می‌کنند و درنتیجه مردم در حیات خیابان مشارکت خواهند داشت (استوت و لوگاست، نقل از شارع‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

کوک نیز به این نتیجه می‌رسد که محله عبارت است از فضایی که بخش مهمی از کار، زندگی و تجارت شهروندان در آن انجام می‌شود. محله سازمان اجتماعی مهمی برای شناخت وسیع افراد و تجهیز اجتماعی آنها برای فعال‌کردن، توسعه یا دفاع از حقوقی است که بیشتر شامل ماده و انرژی در حوزه فرهنگ، اقتصاد و زندگی اجتماعی است؛ بنابراین، محله نهادی است که از طریق آن تعامل مؤثر فردی یا جمعی ایجاد می‌شود (کوک، ۱۹۸۱: ۱۲).



کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنتدج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

فرضیه مقاله این است که ابعاد کالبدی و اجتماعی محله بر شکل‌گیری و تداوم پیوندهای محله تأثیر دارد.

پیشینهٔ تجربی

همان‌طور که محله مطلوب و موفق وجود دارند، باید اصولاً خلق و ایجاد محله‌ای مشابه آنها نیز ممکن باشد. نوعی سنت به خوبی رشیدیافته از طراحی واحدهای همسایگی وجود دارد. شاخص‌ترین ایده واحد همسایگی کلرینس پرل بود که در ایالات متحده در طول دهه ۱۹۲۰ ایجاد شد، همچون وسیله‌ای در سازماندهی و توسعه معین (نظاممند) محدوده‌های شهری. آنچه در طراحی کالبدی و جانمایی واحدهای همسایگی دخیل بود، اهداف اجتماعی‌ای چون تعامل همسایه، ایجاد حس جمعی، هویت همسایگی و تعادل اجتماعی بود (کارمونا، سال ۲۰۰۳: ۱۰۷). همچنین طرح دهکده‌های شهری هزاره در انگلستان و نوشهرگرایی در ایالات متحده از جمله طرح‌هایی هستند که در جهت شکل‌دهی به محله، به منزله فضای خصوصی صمیمی ورای خانه، برنامه‌ریزی شده‌اند. این محیط‌های کوچک شهری و فضاهای عمومی آنها، نمایان‌کننده و شکل‌دهنده ساختار اجتماعی و کالبدی منسجمی هستند که طرفداران شهرگرایی خرد ترویج و تبلیغ کرده‌اند. ولی سؤالی که مطرح شده این است که آیا گرایش موردنظر موضوعی جدید است یا تکراری؟ مثال‌های بسیاری از مدل‌های آرمان‌شهری تا دهکده‌های صنعتی و از سکونتگاه‌های مهاجران هنرمند تا حومه‌های سبز طی دو قرن گذشته، حاکی از تلاش‌هایی برای ایجاد محله منسجم بوده‌اند. با وجود این ممکن است گفته شود تأکید مجددی که بر محله می‌شود در جهت افزایش آگاهی از محیط انجام می‌گیرد و در پی شکل‌های پایدار شهری است (مدنی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

کری‌بی. بورچفیلد (۲۰۰۹) در تحقیقی باعنوان «انسجام، منبع کنترل اجتماعی غیررسمی در محله‌های شهر» معتقد است که کنترل اجتماعی غیررسمی، کلیدی برای فهم میزان جرم در محله است. هنوز دانش اندکی درباره منبع کنترل اجتماعی غیررسمی در محله‌های شهر وجود دارد و درباره نقش تعلق محله‌ای در پرورش کنترل اجتماعی غیررسمی دانشی وجود ندارد. برای پرکردن این شکاف، این تحقیق سه پرسش دارد: ۱) آیا تعلق محله‌ای، به منزله ساختاری چندبعدی، بر همکاری در سطوح محله برای کنترل اجتماعی غیررسمی مؤثر است؟ ۲) آیا تعلق محله‌ای به تبیین سطح پایین‌تر انواع کنترل اجتماعی غیررسمی مشاهده شده در ساختار محله‌ها کمک می‌کند؟ ۳) اگر چنین است، کدام ابعاد از تعلق محله‌ای مهم‌تر هستند و چگونه؟ کاربرد اطلاعات چندسطحی در محله‌های شهر شیکاگو نشان می‌دهد که تعلق محله‌ای، ارتباط مثبتی با سطوح کنترل اجتماعی غیررسمی در محله دارد و همچنین ابعاد تعلق محله‌ای،

برخی از ارتباط‌های موجود بین وضعیت ساختار محله و کنترل اجتماعی غیررسمی را روشن می‌کند (بورکفیلد، ۲۰۰۹).

فیضی و اسدپور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «فرآیند بازآفرینی منظر میدان‌ها شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان» به شکل‌گیری روابط اجتماعی در محله‌های شهر تهران پرداخته است. آنها از راهبرد کیفی در رویکرد استنتاجی استفاده کرده‌اند و از مطالعه موردي در بررسی ده نمونه از میدان‌های شهر بهره گرفته‌اند. فیضی با توجه به اینکه تعاملات اجتماعی دارای مؤلفه‌های زمانی-مکانی هستند، عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و مؤلفه‌های عینی و ذهنی این نواحی را تحت بررسی قرار داده است. درنتیجه، مجموعه‌ای از راهبردها و راهکارهای اصلاح منظر این میدان‌ها شامل ساماندهی عناصر طبیعی و مبلمان شهری میدان‌ها، ساماندهی جریان پیاده و سواره، ایجاد و تقویت فعالیت‌های انتخابی و درنهایت احیا و تداوم جریان خاطرات میدان‌ها پیشنهاد شده است. ترکیب همزمان سه راهبرد طبیعی، انسان‌ساخت و اجتماعی، مجموعه اصول بازآفرینی هر میدان را متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، کالبدی، تاریخی و طبیعی آن شکل خواهد داد. نتایج میدان‌نگاری این پژوهش نشان می‌دهد که کاربری‌های اطراف میدان، مبلمان مناسب در طراحی منظر میدان، استفاده‌نکردن از فضاهای مکث و دنج در ساماندهی میدان‌ها و همچنین سرعت و حجم تردد پیاده و سواره از جمله عوامل کاهش حضور و امکان دسترسی و درنتیجه کاهش تعاملات شهروندان در این میدان‌ها است (فیضی و اسدپور، ۱۳۹۳).

مجید عبداللهی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهش محله‌های شهر شیراز» از ده محله منتخب شیراز ۲۵۰ نمونه را انتخاب کرد و با رویکرد اسنادی - پیمایشی تحت مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دربی تغییرات و شرایط فعلی حاکم بر محله‌های شهری، بعد اجتماعی، به‌ویژه حس تعلق، تعهد اجتماعی، مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی، دچار واگرایی اساسی شده است. درنتیجه این وضعیت، دستیابی به الگوی محله پایدار در چشم‌انداز شهرهای ایران و به‌ویژه کلان‌شهرها با اولویت تقویت ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد، حس تعلق، همبستگی اجتماعی محله‌ای و اجتماع‌محوربودن مدیریت شهری در ایران میسر می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۲).

مظفر و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تأثیر کیفیت‌های شهری در میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت‌های تاریخی» به مطالعه موردي محله جلفای اصفهان، براساس مشاهدات میدانی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه، مطالعه دقیق پاتوق‌های محله در تصویر ذهنی مردم، ترجیحات و انتظارات آنها از پاتوق و برآورد اولیه کیفیت‌های شهری

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سندج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

پرداخته است. نتایج پژوهش، مبین وجود رابطه مستقیم بین کیفیتهای اجتماع‌پذیری و پیاده‌مداری با سرمایه اجتماعی و رابطه غیرمستقیم بین تغییرات دو عامل کیفیت نفوذ‌پذیری و سطح سرمایه اجتماعی بوده است. در بافت‌ها با افزایش نفوذ‌پذیری، سطح شاخص سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد و بر عکس (مظفر و همکاران، ۱۳۹۱).

روش تحقیق

داده‌هایی که این مقاله براساس آنها تنظیم شده است به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه (به صورت مصاحبه حضوری) گردآوری شده‌اند. واحد تحلیلی، هنگامی که محله‌ای شهر سندج مقایسه می‌شود، واحد اجتماعی (محله) است و هنگامی که روابط متغیرها بررسی می‌شوند واحد تحلیل فرد است.

جمعیت و نمونه

شهروندان ۱۵ تا ۶۰ ساله شهر سندج جمعیت آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران تعداد آنها ۲۴۷۶۲۰ نفر بوده است (سرشماری عمومی، ۱۳۸۵). حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر بوده است که ۳۶۰ نفر در نظر گرفته شدند. با توجه به شاخص‌های تاریخی- فرهنگی و قرارگیری در مرکز شهر، نوسازی و بافت محله، محله‌های شهر سندج به سه گروه یا خوشه تقسیم‌بندی می‌شوند که با توجه به مشاهدات میدانی محقق از هر خوشه دو محله انتخاب کرده است و با درنظر گرفتن ترکیب سن و جنس ساکنان، متناسب با حجم نمونه مقتضی از آن محله به شکل تصادفی نظاممند از واحدهای مسکونی پاسخ‌گویان انتخاب شده‌اند.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

پیوند محله‌ای: پیوند محله‌ای ناظر بر فرایندهای اجتماعی، یعنی ارتباطات اجتماعی و احساس انسجام و یگانگی با اجتماع، است (بور، ۲۰۰۷). ابعاد پیوند محله‌ای عبارت‌اند از احساس دلبستگی و روابط محله‌ای (سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۹). بنابراین در بحث از پیوند محله‌ای دو جنبه و بعد مطرح می‌شود. یکی به روابط و ویژگی‌های ارتباطی با همسایگان و دیگری به احساس رضایت، تعلق و وابستگی به محله برمی‌گردد. منظور از روابط همسایگی شبکه‌های هم‌ترازی هستند که عموماً در یک جامعه مدنی تجسم یافته‌اند و هنجارها و ارزش‌های مرتبط با این پیوندها برای مردم و در مقیاس وسیع‌تر برای جامعه پیامدهای مهمی دارد که منافع خصوصی و عمومی را شامل می‌شود. خصوصاً شبکه‌هایی که اعضای آن را همسایگان تشکیل می‌دهند (پورموسی، ۱۳۸۱: ۱۶۶). به منظور سنجش مفهوم پیوند محله‌ای، دو بعد احساس

تعلق و وابستگی به محله و کیفیت روابط با همسایگان بهوسیله سنجه‌های متناسب تحت سنجش و مطالعه قرار گرفته است.

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری

براساس ترکیب پژوهش و عقاید درباب کاربرد و طراحی فضاهای عمومی کار ات آل (۱۹۹۲) معتقد است علاوه بر معنی داربودن (امکان برقراری ارتباط قوی بین مکان و مردم، زندگی شخصی آنها و دنیای بزرگ‌تر) و دموکراتیک‌بودن فضاهای عمومی، باید به مفهوم طراحی و مدیریت آن جهت جواب‌گویی به نیازهای کاربرانشان، توجه داشت (کارمنا، ۲۰۰۳: ۱۵۴). بنابراین، برای سنجش کیفیت فضاهای شهری لازم است دو بعد کالبدی و اجتماعی فضا را توانان در نظر بگیریم و متغیرهایی برای هر کدام از ابعاد تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای اولیه مردم باشند. براین‌اساس، متغیر مطلوب‌بودن بافت محله برای سنجش کیفیت کالبدی فضای محله و متغیرهای وقوع مسائل اجتماعی، احساس امنیت و آرامش برای سنجش کیفیت اجتماعی فضای محله به شرح زیر تعریف شدند:

مطلوب‌بودن کالبد محله: کالبد محله یکی از عناصر و عواملی است که هویت محله براساس آن تعریف می‌شود و بستر کنش و تعاملات اجتماعی را فراهم می‌کند. برای سنجش این بعد کالبدی محله‌ها به عواملی که باعث بوجود آمدن وضعیت نامطلوب و بی‌نظمی در محله می‌شوند به منزله معرفه‌ای برای سنجش مطلوب‌بودن بافت محله پرداخته شده است.

مسائل اجتماعی محله: در این پژوهش، منظور از مسائل اجتماعی محله، وقوع جرم و بزه‌کاری‌ها و رفتارهای نابهنجاری است که در سطح محله رخ می‌دهند و علاوه بر نقض حقوق دیگر شهروندان، به کاهش کیفیت بعد اجتماعی فضای محله منجر می‌شوند.

احساس امنیت و آرامش در محله: امنیت به معنای ایمن‌شدن، درمان‌بودن و بی‌بیمی، آرامش و آسودگی است. احساس امنیت نیز عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام‌بخش) شهروندان در مقابل تأثیر رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدها) در حال و آینده در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یکپارچگی و امنیت سرزمین (حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۸). همچنین امنیت به معنای فقدان هراس، به‌مخاطره‌افتادن ارزش‌های انسانی هدف و نبود هراس و بیم درباب حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، و خاطر جمع‌بودن است. در این پژوهش، منظور از احساس امنیت اجتماعی آن است که شهروندان با حضور در اجتماع، در محیط محله، در مکان‌های عمومی، خیابان و غیره تا چه حد اطمینان دارند که امنیت آنها تأمین می‌شود و احساس ترس

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنتدج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

و نگرانی نمی‌کنند. احساس امنیت اجتماعی هرگونه نگرانی از تهدید، ترس هنگام تنها یی در خیابان، ترس از حضور در خیابان بهویشه در شب، عدم اعتماد به غربیه‌ها و غیره را شامل می‌شود.

یافته‌های توصیفی

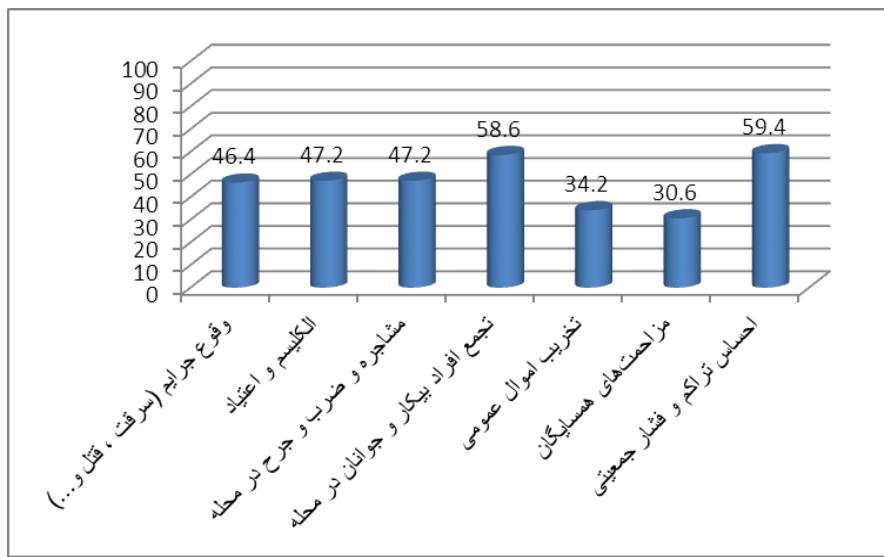
خصوصیات جمعیت شناختی: نمونه مطالعه شامل ۳۶۰ نفر بود که از این تعداد ۵۰٪ درصد مرد و ۴۹٪ درصد زن بودند. از نظر توزیع سنی، ۳۸٪ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۴٪ درصد ۲۵ تا ۳۴ سال، ۱۲٪ درصد ۳۵ تا ۴۴ سال، ۱۲٪ درصد ۴۵ تا ۵۴ سال و ۱۲٪ درصد بین ۵۵ تا ۷۰ سال داشتند. از نظر میزان تحصیلات ۵ درصد سواد خواندن و نوشتند نداشتند، ۱۴٪ درصد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۳۵٪ درصد تحصیلات دبیرستان و مدرک دیپلم و ۴۳٪ درصد جمعیت نیز تحصیلات دانشگاهی داشتند. از نظر مدت سکونت در محله نیز ۱۰ درصد جمعیت ۱ سال و کمتر، ۲۳ درصد جمعیت بین ۲ تا ۵ سال، ۲۲ درصد جمعیت بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۲ درصد بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۲۳ درصد جمعیت بیشتر از ۲۰ سال سابقه سکونت در محله فعلی خود را داشتند.

ابعاد کالبدی و اجتماعی محله: همان‌طور که یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، ۴۳٪ درصد شهروندان شهر سنتدج، میزان وقوع مسائل اجتماعی در محله را در حد خیلی کم و کم می‌دانند. از نظر ۳۹ درصد شهروندان تا حدودی این مسائل وجود دارد و ۱۹ درصد هم می‌گویند که مسائل اجتماعی در سطح محله‌ها در حد زیادی قابل مشاهده است که میانگین ۴۵ درصد وجود مسائل اجتماعی در شهر سنتدج از نظر شهروندان هم این مطلب را تأیید می‌کند که مسائل اجتماعی در سطح محله‌های شهر سنتدج تا حدودی وجود دارد. در ادامه، با بررسی ستجه‌های مسائل اجتماعی در سطح محله‌های شهر از دیدگاه پاسخگویان مشخص شد که احساس تراکم و فشار جمعیتی و تجمع افراد بیکار و جوانان بیشترین میزان وقوع و مشاهده را به خود اختصاص می‌دهند و تخریب اموال عمومی و مزاحمت‌های همسایگی به نسبت دیگر سنجه‌ها کمترین میزان وقوع و مشاهده را دارند.

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵

جدول ۱. توزیع فراوانی نسبی و مطلق سنجه‌های ساخت و قوع و مشاهده مسائل اجتماعی در محله‌های شهر سنندج از دیدگاه پاسخگویان

متغیر	مسائل اجتماعی	سنجه‌ها	فراوانی	خیلی کم	کم	تاریخی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین از ۱۰۰
۵۹/۴	احساس تراکم و فشار جمعیتی	فراوانی نسبی	۱۴۶	۲۰	۲۶/۷	۲۶/۱	۲۶/۸	۹۴	۴۶
	مزاحمت‌های همسایگان	فراوانی مطلق	۵۲	۷۲	۹۶	۹۴	۱۲/۸	۲۶/۱	۱۲/۸
۳۰/۶	تراخیب اموال عمومی	فراوانی نسبی	۵۳/۹	۵۲	۲۱/۷	۱۵/۶	۷/۸	۱/۱	۴
	تجمع افراد بیکار و جوانان در محله	فراوانی مطلق	۱۹۴	۷۸	۵۶	۲۸	۲۶	۶۲	۶
۳۴/۲	مشاجره و ضرب و جرح در محله	فراوانی نسبی	۴۵	۲۸/۹	۲۸/۲	۱۷/۲	۷/۲	۱/۷	۱/۷
	الکلیسم و اعتیاد	فراوانی مطلق	۱۶۲	۱۰۴	۶۲	۲۶	۲۶	۹۲	۶۰
۵۸/۶	وقوع جرایم (سرقت، قتل و...)	فراوانی نسبی	۲۱/۱	۱۵	۲۱/۷	۲۵/۶	۱۶/۷	۱۲/۸	۴۶/۴
	مشاجره و ضرب و جرح در محله	فراوانی مطلق	۷۶	۵۴	۷۸	۹۲	۹۲	۱۲/۸	۱۱/۱
۴۷/۲	شناختهای همسایگان	فراوانی نسبی	۴۱/۱	۲۷/۲	۲۲/۳	۲/۳	۵	۱۲	۱۸
	حصیل تراکم و فشار جمعیتی	فراوانی مطلق	۱۴۸	۹۸	۸۴	۱۲	۱۲	۱۲/۸	۴۰
۴۷/۲	شناخت و قوع و مشاهده مسائل اجتماعی	فراوانی نسبی	۳۲/۸	۱۹/۴	۲۲/۹	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۷/۲
	مشاجره و ضرب و جرح در محله	فراوانی مطلق	۱۱۸	۷۰	۸۶	۴۶	۴۶	۴۶	۲۶
۴۶/۴	تجمع افراد بیکار و جوانان در محله	فراوانی نسبی	۳۲/۸	۲۲/۲	۲۵	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۲/۸	۷/۲
	الکلیسم و اعتیاد	فراوانی مطلق	۱۱۸	۸۰	۹۰	۴۶	۴۶	۴۶	۲۶
۴۵	مشاجره و ضرب و جرح در محله	فراوانی نسبی	۱۲/۸	۲۹/۴	۳۸/۹	۱۶/۱	۱۶/۱	۱۶/۱	۲/۸
	تجمع افراد بیکار و جوانان در محله	فراوانی مطلق	۳۰.۶	۴۶	۱۰۶	۱۴۰	۵۸	۱۰	۱۰



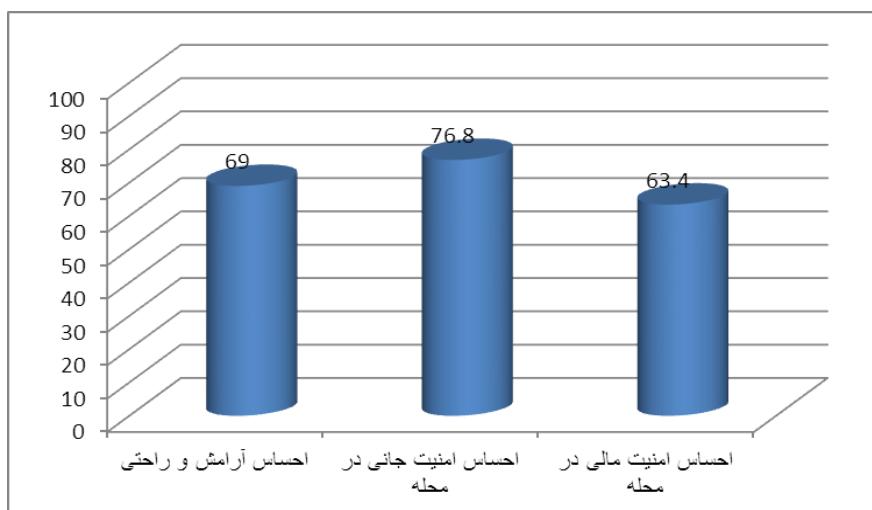
نمودار ۱. توزیع میانگین (از ۰ تا ۱۰۰) گویه‌های سنجش مسائل اجتماعی محله‌های سنندج از دیدگاه پاسخگویان

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنتدج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

احساس امنیت و آرامش در محله: یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که تنها ۹ درصد شهروندان در محله احساس امنیت کمی دارند و حدود ۷۵ درصد شهروندان، احساس امنیتشان در محله بالاست. با توجه به میانگین ۷۰ از ۱۰۰ می‌توان گفت که احساس امنیت شهروندان سنتدجی در حد متوسط به بالاست. در ادامه، با بررسی گویه‌های سنجش احساس امنیت، مشخص شد که احساس امنیت جانی شهروندان به نسبت امنیت مالی در وضعیت مطلوبتری قرار دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی نسی و مطلق سنجه‌های شاخص احساس امنیت و آرامش در محله‌ای شهر سنتدج از دیدگاه پاسخگویان

مفهوم	سنجه	فراآنی	خیلی کم	کم	ناحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
احساس امنیت	احساس امنیت مالی در محله	فراآنی نسی	۱۲/۲	۱۰	۳۰/۶	۴۰	۷/۲	۶۳/۴
	فراآنی مطلق	فراآنی مطلق	۴۴	۳۶	۱۱۰	۱۴۴	۲۶	۷۶/۸
آرامش	احساس امنیت جانی در محله	فراآنی نسی	۱/۷	۳/۹	۲۳/۹	۴۹/۴	۲۱/۱	۶۹
	فراآنی مطلق	فراآنی مطلق	۶	۱۴	۸۶	۱۷۸	۷۶	۷۰
در محله	احساس ارامش و راحتی در محله	فراآنی نسی	۳/۳	۸/۹	۲۶/۱	۴۲/۲	۹/۴	۶۹
	فراآنی مطلق	فراآنی مطلق	۱۲	۳۲	۱۳۰	۱۵۲	۳۴	۷۰
و آرامش در محله	شاخص احساس امنیت و آرامش در محله	فراآنی نسی	۱/۱	۷/۸	۲۴/۴	۴۸/۹	۱۷/۸	۷۰
	فراآنی مطلق	فراآنی مطلق	۴	۲۸	۸۸	۱۷۶	۶۴	۷۰



نمودار ۲. توزیع میانگین (از ۰ تا ۱۰۰) گویه‌های سنجش احساس امنیت و آرامش در محله‌ای سنتدج از دیدگاه پاسخگویان

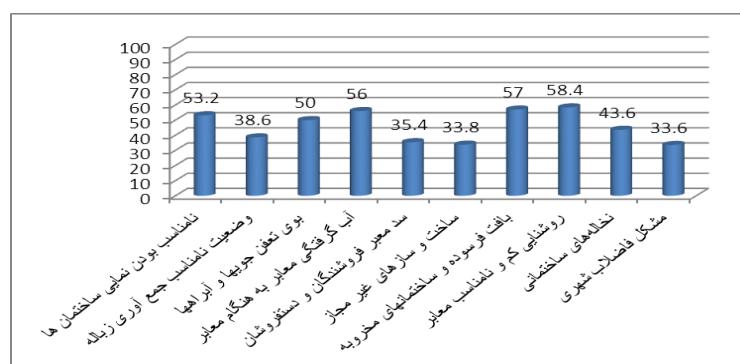
مطلوب‌بودن بافت محله: همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، ۴۶ درصد شهروندان سنتدجی معتقدند که کیفیت کالبدی محله نامطلوب است و میانگین ۴۶ از ۱۰۰ در شاخص کیفیت بافت محله نشان‌دهنده کیفیت نامطلوب بافت کالبدی محله از دیدگاه شهروندان سنتدجی است. در ادامه، با بررسی سنجه‌ها مشخص شد که روشنایی کم معابر،

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵

وجود بافت‌های فرسوده، نامناسب‌بودن نمای ساختمان‌ها و آب‌گرفتگی معابر از جمله مهم‌ترین موارد نامطلوب در سطح محله‌های شهر سنتدج از دیدگاه پاسخ‌گویان هستند.

جدول ۳. توزیع فراوانی نسبی و مطلق سنجه‌های شاخص نامطلوبی بافت محله‌های شهر سنتدج از دیدگاه پاسخ‌گویان

متغیر	سنجه‌ها	فراوانی	خیلی کم	کم	تعدادی	خیلی زیاد	میانگین
مشکل فاضلاب شهری	فراآنی نسبی	۵۲/۶	۱۲/۴	۱۶/۸	۱۲/۸	۳/۴	۳۳/۶
	فراآنی مطلق	۱۹۲	۴۸	۴۰	۴۶	۱۲	۴۳/۶
تخاله‌های ساختمانی	فراآنی نسبی	۴۰/۸	۱۴/۵	۱۷/۳	۲۱/۸	۵/۶	۴۳/۶
	فراآنی مطلق	۱۴۶	۵۲	۶۲	۷۸	۲۰	۵۸/۴
روشنایی کم و نامناسب معابر	فراآنی نسبی	۱۸/۴	۱۷/۳	۲۷/۹	۱۶/۸	۱۹/۶	۵۸/۴
	فراآنی مطلق	۶۶	۶۲	۱۰۰	۶۰	۷۰	۵۷
بافت فرسوده و ساختمان‌های محرومی	فراآنی نسبی	۲۱/۸	۱۵/۶	۲۶/۸	۲۰/۱	۱۵/۶	۳۳/۸
	فراآنی مطلق	۷۸	۵۶	۹۶	۷۲	۵۶	۳۵/۴
ساخت و سازهای غیرمجاز	فراآنی نسبی	۵۶/۴	۱۵/۱	۱۱/۲	۱۱/۷	۵	۳۳/۸
	فراآنی مطلق	۲۰۲	۵۴	۴۰	۴۲	۱۸	۵۶
سد معبر فروشنده‌گان و دستفروشان	فراآنی نسبی	۵۲/۵	۱۰/۱	۱۶/۲	۱۶/۲	۵	۳۵/۴
	فراآنی مطلق	۱۸۸	۳۶	۵۸	۵۸	۱۸	۵۶
آب‌گرفتگی معابر به هنگام بارندگی	فراآنی نسبی	۱۷/۹	۱۷/۳	۳۳	۲۳/۵	۸/۴	۵۶
	فراآنی مطلق	۶۴	۶۲	۱۱۸	۸۴	۳۰	۵۰
بوی تعفن جوی-ها و آبراه‌ها	فراآنی نسبی	۲۲/۵	۲۹/۶	۲۴	۱۱/۷	۱۱/۲	۳۸/۸
	فراآنی مطلق	۸۴	۱۰۶	۸۶	۴۲	۴۰	۳۰
وضیعت نامناسب جمع‌آوری زباله	فراآنی نسبی	۴۴/۷	۲۱/۲	۱۶/۸	۸/۹	۸/۴	۳۸/۸
	فراآنی مطلق	۱۶۰	۷۶	۶۰	۳۲	۳۰	۵۲/۲
نامناسب بودن نمای ساختمان‌ها	فراآنی نسبی	۲۴	۱۶/۲	۳۴/۱	۱۵/۶	۱۰/۱	۴۶
	فراآنی مطلق	۸۶	۵۸	۱۲۲	۵۶	۳۶	۴۶
شاخص نامطلوبی بافت محله	فراآنی نسبی	۱۴/۴	۲۱/۱	۲۷/۲	۱۳/۹	۱۲/۸	۴۶
	فراآنی مطلق	۵۲	۱۱۲	۹۸	۵۰	۴۶	



نمودار ۳. توزیع میانگین (از ۰ تا ۱۰۰) گویه‌های سنجش نامطلوبی بافت محله‌های سنتدج از دیدگاه پاسخ‌گویان

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنتنچ و پیوندهای محله‌ای شهروندان

متغیروابسته

پیوند محله‌ای: نتایج جدول ۴ وضعیت پیوند محله‌ای شهروندان را با سنجه‌های صمیمیت، اعتماد، همکاری، دریافت حمایت و احساس تعلق به محله نشان می‌دهد.

از نظر صمیمیت روابط شهروندان در شبکه همسایگی، ۳۱ درصد اظهار کردند که میزان صمیمیتشان با همسایگان زیاد و خیلی زیاد است. ۴۴ درصد صمیمیتشان را در حد متوسط و ۲۶ درصد صمیمیتشان را در حد کم ارزیابی کردند. همچنین از نظر میزان اعتماد شهروندان در شبکه همسایگی، ۳۲ درصد میزان اعتمادشان به همسایگان را در حد زیاد و خیلی زیاد، ۴۰ درصد در حد متوسط و ۲۶ درصد کم ارزیابی کردند. از نظر میزان همکاری شهروندان، فقط ۱۳ درصد از پاسخگویان میزان همکاری‌شان با همسایگان را در حد زیاد و خیلی زیاد می‌دانند. ۲۶ درصد آن را در حد متوسط و ۶۱ درصد کم ارزیابی کردند. از نظر دریافت حمایت شهروندان در شبکه همسایگی، صرفاً ۷ درصد اظهار کردند که میزان دریافت حمایت از همسایگانشان در حد زیاد و خیلی زیاد است. ۲۳ درصد آن را در حد متوسط و ۷۰ درصد در حد کم ارزیابی کردند.

یافته‌های جدول ۴ حاکی از آن است که ۱۵ درصد شهروندان احساس تعلق کم، ۲۵ درصد متوسط و بیش از ۶۰ درصد شهروندان احساس تعلق به بالایی به محله‌شان دارند که با توجه به میانگین ۱۶۸ از ۱۰۰ در زمینه احساس تعلق به محله در شهروندان می‌توان گفت میزان احساس تعلق به محله شهروندان در سنتنچ در حد بالایی قرار دارد.

جدول ۴. توزیع فراوانی نسبی و مطلق گوییده‌های شبکه‌های اجتماعی شهروندان سنتنچی

انحراف معیار	میانگین	کاملا	زیاد	تا حدی	کم	اصلا	فراوانی	سنجه	بعد	مفهوم		
۲۰۴	۴۱	۲۰	۸۸	۱۵۶	۷۶	۱۸	مطلق	صمیمیت	رابطه با همسایگان محله‌ای	پیوند محله‌ای		
		۶	۲۵	۴۴	۲۱	۵	نسبی					
		۴۲	۷۸	۱۴۴	۸۴	۱۰	مطلق	اعتماد				
		۱۲	۲۲	۴۰	۲۳	۳	نسبی					
		۱۲	۳۶	۹۲	۱۳۲	۸۶	مطلق	همکاری				
		۳	۱۰	۲۶	۳۷	۲۴	نسبی					
		۴	۲۰	۸۴	۱۴۰	۱۱۰	مطلق	حمایت				
		۱	۶	۲۳	۳۹	۳۱	نسبی					
۱۷۰	۶۸	۱۶	۳۳	۳۵	۱۲/۲	۳	مطلق	احساس تعلق به محله				
		۵۸	۱۱۸	۱۲۶	۴۴	۱۴	نسبی					

یافته‌های تبیینی

روابط همبستگی بین ابعاد کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری با پیوندهای محله‌ای

نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که برای رابطه دو متغیر مسائل اجتماعی و پیوند محله‌ای، ضریب پیرسون -0.187 و سطح معناداری صفر است، یعنی همبستگی متوجه، منفی و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد و با افزایش مسائل اجتماعی پیوند محله‌ای تضعیف می‌شود. بین احساس امنیت با پیوند محله‌ای با ضریب پیرسون -0.353 و سطح معناداری صفر همبستگی معنادار، قوی و مثبتی وجود دارد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد که برای دو متغیر کیفیت کالبدی بافت محله و پیوند محله‌ای با ضریب پیرسون -0.214 و سطح معناداری صفر رابطه این دو متغیر مثبت، به نسبت قوی و معنادار است.

جدول ۵. میزان همبستگی متغیرهای کالبدی و اجتماعی پژوهش با شاخص‌های شبکه‌های اجتماعی شهر وندان

		شاخصها	
کیفیت کالبدی	احساس امنیت	مسائل اجتماعی	
-0.214^{**}	-0.353^{**}	-0.187^{**}	ضریب پیرسون
-0.000	-0.000	-0.000	سطح معناداری
۳۵۶	۲۵۸	۳۵۸	پیوند محله‌ای
			تعداد

تحلیل معادلات ساختاری

تحلیل مسیر بسط مدل‌های رگرسیونی است و در مقام مقایسه، از مدل‌های رگرسیونی به مفهوم علیت نزدیکتر است، درحالی‌که در مدل‌های رگرسیونی کلیه متغیرهای مستقل هم‌زمان و هم‌عرض در نظر گرفته می‌شوند. مدل‌های مسیر در واقع نوعی توالی یا تقدم و تأخیر بین متغیرها قائل هستند، و درحالی‌که مدل‌های رگرسیونی به نوعی دربرابر آفت‌هایی مثل هم‌خطی آسیب‌پذیرند. مدل‌های مسیر آسیب‌پذیری کمتری دارند. مدل‌های مسیر به نوعی به دنیای اجتماعی نزدیکترند. در مدل‌های مسیر مدلی انتخاب می‌شود که داده‌ها با نظریه انتطاق بیشتری داشته باشند. پس مدل باید هم به لحاظ آماری و هم به لحاظ مبانی نظری معقول انتخاب شود.

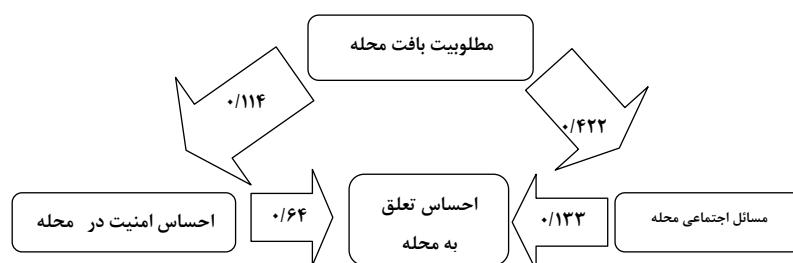
آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر احساس تعلق به محله

جدول ۶. آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر احساس تعلق به محله

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
مطلوب بودن بافت محله	-	-0.113	-0.113
مسائل اجتماعی	-0.113	-	-0.113
احساس امنیت	-0.064	-	-0.064

کیفیت کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری سنتدج و پیوندهای محله‌ای شهروندان

جدول ۶ نشان‌دهنده تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و تأثیر کل متغیرهای الگوی تحلیلی تحقیق است. با توجه به داده‌های جدول ۶ و اساس استناد به آثار مستقیم متغیرها، متغیر میزان احساس امنیت (۰/۶۴) قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بین احساس تعلق به محله است. بعد از آن، متغیر مسائل اجتماعی (۰/۱۳۳) بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری احساس تعلق به محله دارد.



شکل ۲. تحلیل مسیر احساس تعلق شهروندان به محله (یکی از مؤلفه‌های پیوند محله‌ای)

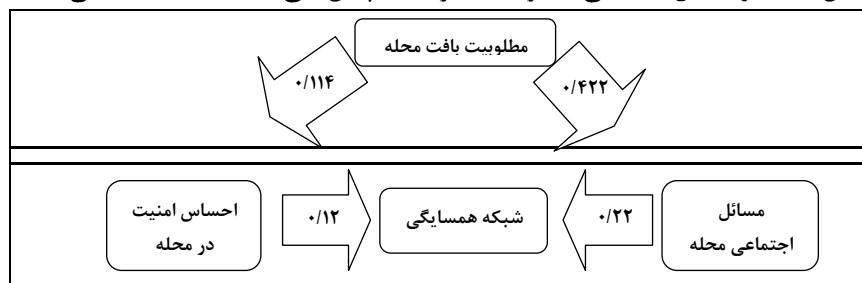
آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر شبکه همسایگی

جدول ۷. آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوی تحلیلی بر شبکه همسایگی

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
مطلوب بودن بافت محله	-	۰/۱۱	۰/۱۱
مسائل اجتماعی	-۰/۲۲	-	-۰/۲۲
احساس امنیت	۰/۶۴	-	۰/۶۴

جدول ۷ نشان‌دهنده تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و تأثیر کل متغیرهای الگوی تحلیلی تحقیق است. با توجه به داده‌های جدول ۷ و اساس استناد به آثار مستقیم متغیرها، متغیر میزان احساس امنیت (۰/۶۴) قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بین شبکه همسایگی است. بعد از آن، متغیر مسائل اجتماعی (-۰/۲۲) بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری شبکه همسایگی داشت.

براساس استناد به آثار غیرمستقیم، متغیر مطلوب بودن بافت محله با تأثیر بر متغیرهای احساس امنیت و مسائل اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۱۱ پیش‌بینی کننده شبکه همسایگی است.



شکل ۳. مدل تحلیل مسیر شبکه همسایگی (یکی از مؤلفه‌های پیوند محله‌ای)

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال آزمون رابطه ابعاد کالبدی و اجتماعی فضای محله با پیوندهای محله‌ای شهروندان سنتدجی بود. بهمین‌دلیل، ۳۶۰ نفر از ساکنان شش محله سنتدج با هم مقایسه شدند. یافته‌ها با انتظارات نظری هماهنگ است و همان‌طور که در بحث نظری دیدگاه اتزیونی درباب سوق‌دادن محیط‌های کالبدی به سوی همسازشدن با اجتماع مطرح شد، نتایج مقاله حاضر نیز مؤید این مطلب است که هویت شهر با مفهوم حس مکان رابطه تنگاتنگی دارد؛ به طوری که هر دو را می‌توان یکی پنداشت. درواقع فضاهای عمومی پاسخگوی نیازهای کاربران می‌تواند در شکل‌گیری روابط همسایگی، تقویت هنجارها و ارزش‌های مرتبط با این پیوندها، برای مردم و در مقیاس وسیع‌تر برای جامعه دارای پیامدهای مهمی باشد. تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که کیفیت بافت محله با تأثیرگذاری بر احساس امنیت و وقوع مسائل اجتماعی در محله به صورت غیرمستقیم بر ابعاد پیوندهای محله‌ای تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، فضای عمومی محله توانسته با کاهش زمینه وقوع مسائل اجتماعی در سطح محله و افزایش احساس امنیت در بین ساکنان، ضمن افزایش احساس تعلق در ساکنان، فرصت تعامل اجتماعی را در میان همسایگان فراهم و پیوندهای اجتماعی محلی را ایجاد و تقویت کند. وجود روابط معنادار بین کیفیت بافت محله، با احساس امنیت و وقوع مسائل اجتماعی در محله می‌تواند مؤید نظریات جاکوبز درباره نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی بین ساکنان محله‌ای شهر سنتدج باشد.

همچنین این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پیشین خارجی (بورچفیلد، ۲۰۰۹) و نیز تحقیقات داخلی که تا حدودی به این موضوع پرداخته‌اند (فیضی، ۱۳۹۳ و عبداللهی، ۱۳۹۲) هماهنگ است و مؤیدی قوی برای تبیین پیوندهای محله‌ای از طریق متغیرهای کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری است.

دلالت‌های کاربردی این تحقیق معطوف به توجه بیشتر مدیران شهری و انتظامی به امر سازمان‌یافتگی کالبدی و اجتماعی در محله است. بازسازی بافت‌های فرسوده، تأمین روشنایی معابر، بهسازی نماهای ساختمان و معابر عمومی، تقویت خدمات عمومی و بهبود فضاهای سبز، نشیمن‌گاه‌ها، احداث مراکز تفریحی برای شهروندان و بهخصوص قشر جوان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش وقوع مسائل اجتماعی و تقویت احساس امنیت و به تبع آن، تقویت پیوندهای محله‌ای شهروندان داشته باشد.

منابع

- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) سیر اندیشه در شهرسازی (۲) از کمیت تا کیفیت، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- پورموسی، سید فتح الله (۱۳۸۱) «جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی»، مجله راهبرد، شماره ۲۶: ۱۵۸-۱۹۹.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴) چهارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت، *فصلنامه مطالعات امنیت/اجتماعی*، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راجرز، اورت میچل (۱۳۸۷) *تاریخ تحلیلی علم/ارتباطات*، ترجمه غلامرضا آذری، تهران: فرهنگ معاصر.
- ریویر، کلود (۱۳۸۴) *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ پنجم، تهران: نی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) *سالنامه آماری استان کردستان*، تهران: مرکز آمار ایران.
- سراج‌زاده، سیدحسین و اشرف گیلانی (۱۳۸۹) «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)» *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۴: ۲۲۳-۲۴۴.
- سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۶) *آسیب شناسی اجتماعی*، تهران: سمت.
- سلیمی، علی (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی کجری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۹۰) *جامعه‌شناسی شهری*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- عبداللهی مجید (۱۳۹۲) «ارزیابی ابعاد اجتماعی محله‌های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی، مورد مطالعه محله‌های شهر شیراز»، *مجله مدیریت شهری*، شماره ۲۲: ۱۶۳-۱۸۴.
- غراب، ناصرالدین (۱۳۸۴) *برنامه‌ریزی فرهنگی و شهر، پژوهه تحقیقاتی پژوهشکده مطالعات شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها*.
- فرهودی، رحمت‌الله و اکبر محمدی (۱۳۸۴) «رونده توسعه تاریخی، کاربری اراضی و تنگناهای شهرسازی در سنتدج»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۳، ۸۷-۹۸.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نی.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی شهر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ سوم، تهران: آگه.
- فیضی، محسن و علی اسدپور (۱۳۹۳) «فرآیند بازآفرینی منظر میادین شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان»، *فصلنامه مطالعات شهری*، شماره ۷، ۳-۱۴.
- کاشانی‌جو، خشایار (۱۳۸۹) «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری»، *مجله هويت شهر*، شماره ۶، ۹۵-۱۰۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

لینچ، کوین (۱۳۸۳) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران
مدنی پور، علی (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: شرکت
پردازش و برنامه ریزی شهری.

مظفر، فرهنگ، محمد مسعود و ساجد راستین (۱۳۹۱) «ارزیابی تأثیرات کیفیت‌های شهری در
میزان شاخص سرمایه اجتماعی در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: محله جلفای
اصفهان)»، دوفصلنامه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی و فرهنگی، سال دوم، شماره ۴: ۲۹-۴۶.

ممтар، فریده (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.

وبر، ماکس (۱۳۸۴) شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کلویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Burchfield, Keri B. (2009) “Attachment as a Source of Informal Social Control in Urban Neighborhoods”, *Journal of Criminal Justice*, 37:45 –54.

Car, Stephen, MARK Francis, Leanne Rivlin & Andrew stone (1992) *Public Space*, Massachusetts: Cambridge University Press.

Carmona, Matthew, Tim Heath, Taner Oc and Steve Tiesdell (2003) *Public Places, Urban Spaces*, Oxford: Architectural Press.

Cook, F. L., W. G. Skogan, T. D. Cook, & G. E. Antunes (1981) *Criminal Victimization of the Elderly*. New YOK: Oxford University Press.

Dassopoulos, Andrea and Shannon M. Monnet (2011) “Do Perceptions of Social Cohesion, Social Support, and Social Control Mediate the Effects of Local Community Participation on Neighborhood Satisfaction?” *Environment and Behavior*, 43: 546–565.

Lane, J., & Meeker, J. W. (2005) “Theories and Fear of Gang Crime among Whites and Latinos: A Replication and Extension of Prior Research”. *Journal of Criminal Justice*, 33, 627-641.

Legates, R. T. and F. Stout (2000) *The City Reader*, New York: Routledge.